ارجان و کهگیلویه

هایشن گاویه

برت فراگنر

Gaub,Heinz:Die suapersische provinz Arragan/kuh Giluyeh von der arabischen Eroberung bis zur Safawidenzeit.Analyse und Auswertung literarischer und . Ostereichischen Akademie der Wissenschaften 1973.263 S.,121 Abb

تحقیقات جغرافیای تاریخی قسمتهای مختلف ایران طی نسلهای متمادی امکانات‏ مفید و ارزنده‏ای را برای تمام کسانیکه به بررسیهائی در رابطه با ایران اسلامی پرداخته‏اند ایجاد کرده است.تذکر این موضوع لازمست که تقریبا"همیشه پژوهندگان این رشته‏ها و قبل از همه پاول شوراتس Paul Schwarz و لسترانج Le Stange در ارزیابی آثار جغرافیائی‏ عربی قرون وسطائی(در مورد لسترانج باید مؤلفین و نویسندگان ایرانی فارسی را هم‏ بشمار آورد)از نظر زبان‏شناسی بطور اغراق‏آمیزی برخورد شده و اغلب در مورد معیارهای، عینی نیز زیاده‏روی مشاهده میشود.آنها از اطلاعات سفرنامه‏های فراوانی که دارای‏ منابع جدیدتری هم بوده‏اند صرفنظر کرده‏اند.شواهد مادی فرهنگی را هم که سالهای‏ اخیر و درا اثر پیشرفت تحقیقات باستان‏شناسی مدنظر بوده‏اند.نیز از یاد برده‏اند و همچنین آثار و بقایائی که از کتیبه‏ها بر جای مانده-همانطوریکه در گذشته،را بنیودی‏ بورگوماله Rabino di Borgomale در شمال ایران گردآوری و منتشر نموده است-نیز نادیده‏ گرفته شده است.

در محدودهء انتشار اسناد و مدارک باشتانشناسی،کتیبه خوانی و نیز اسناد سیاسی‏ در رابطه با تاریخ منطقه‏ئی ایران بتازگی مورخین ایرانی کارهای مفیدی انجام داده‏اند. در اینجا لازم است که به انتشارات انجمن آثار ملی ایران-تهران در بیست سال گذشته‏ نیز اشاره‏ای شود.اطلاعات و آگاهیهای ما از بسیاری از شهرها و مناطق ایران مرهون‏ خدمات این انجمن میباشد.اطلاعات ارزندهء این انجمن دربارهء قسمتی از آثار باستانی‏ که روی آنها در گذشته کمتر کار شده بود،قابل ذکر میباشد.مقایسهء این آثار و اسناد (\*)ترجمهء این کتاب به اهتمام سعید فرهودی و بازنویسی و تحشیهء احمد اقتداری‏ در سلسلهء انتشارات انجمن آثار ملی منتشر شد.(آینده) با منابع اصلی و قدیمی در موارد بسیار کمی بچشم میخورد.

گاو به در کتاب خود کوشش میکند که اطلاعات ما را برای اولین بار بشیوه‏ای علمی‏ و منطقی در جهت آگاهیهای بیشتر از منابع مختلف در مورد جغرافیای تاریخی ایران‏ سوق داده و به سؤالات گوناگون و مهمی در این رابطه پاسخ گوید:کی،کجا و چرا در زمانها و در نقاط معینی آبادیهائی قرار داشته‏اند.آیا این مناطق تحت یک نام مشهور بوده‏اند،آیا رودها و یا جاده‏هائی در این نواحی دیده شده است؟موضوع تحقیق و بررسی او استان جنوبی ایران(فارس)ارجان میباشد(در زمان صفویه معروف بوده است‏ به کوه گیلویه)و از عصر ساسانیان تا سقوط صفویه در قرن 18.این ناحیه در قرون وسطی‏ غربی‏ترین استان-از پنج کوره فارس-بوده است که امروزه در شهرستان بهبهان و استان جدید خوزستان قرار دارد.این منطقه در گذشته مدت مدیدی یکی از دروازه‏های‏ مهم بین فلات ایران و بین النهرین بوده است.در مورد تحقیقات مهم و ارزندهء گاو به‏ راجع به جغرافیای تاریخی و اسلامی ایران جای هیچگونه شکی وجود ندارد.

گاوبه در این تألیف خود سعی بر این دارد که با مثالهائی از امکانات علمی و منطقی در جهت روشن شدن مسائل جغرافیای تاریخی استفاده نماید.وی باینطریق امکان‏ تحقیقات بیشتری را در مسیر زبان‏شناسی و همچنین شیوهء کار باستانشناسی میسر میسازد. کتاب گاوبه به دو بخش تقسیم میشود:در قسمت اول‏"تحقیقات جغرافیائی‏"منابع و آثار مورد ارزیابی قرار میگیرد.وی پنج مسئلهء زیر را بطور کاملا"منظم مورد بررسی قرار میدهد: مرزها،آبادیها و نام مناطق،قلعه‏ها،راهها و رودها.این عمل بطور دقیق و در چهار دوران صورت میگیرد.وی پنج مسئلهء زیر را بطور کاملا"منظم مورد بررسی قرار میدهد: مرزها،آبادیها و نام مناطق،قلعه‏ها،راهها و رودها.این عمل بطور دقیق و در چهار دوران صورت میگیرد:(عهد ساسانی،قرن سوم تا هفتم میلادی)،(دورهء کلاسیک‏ اسلامی،قرن هفتم تا یازدهم میلادی)،(دوران سلجوقی و مغول،قرن یازدهم تا چهاردهم میلادی)و(آخرین قسمت،از قرن چهاردهم تا قرن هیجدهم میلادی). گاو به در قسمت دوم کتابش به آثار باستانی موجود در استان ارجان و چگونگی آنها میپردازد.وی با استفاده از انواع مخصوص سفالها و در ارتباط دائمی آنها با گذشته‏ها- که در قسمت اول به آنها دست‏یافته و با در نظر گرفتن دوره‏ها A تا c ،به نتایجی‏ میرسد که بیشتر از اطلاعات منابع قدیمی بما آگاهی میدهد.برای دورهء D از آثار و بقایای ساختمانی استفاده شده است.قسمت آخر این بخش(تحت عنوان‏"اسناد و مدارک‏")تعلق دارد به 6 کتیبه و یک سند که در حقیقت مکملی است برای قسمت اول این‏ کتاب.گاو به در این کتاب با مسائل سکه‏شناسی هم بکرات بر خورد میکند ولی بخش ویژه‏ای‏ را برای آن اختصاص نداده است.هدف گاو به این تحقیقات نشان دادن این مسئله است که چگونه شیوه‏های گوناگون‏ علمی و منطقی میتوانند در راه پیشرفت آگاهیهای تاریخی ما مکمل یکدیگر قرار گیرند. نتیجهء اینکار هم همانطوریکه مشاهده میشود بسیار رضایتبخش میباشد.با این شیوهء کار تنها یک اشکال ممکنست بوجود آید و آن اینکه همکاران وی نتوانند به شیوهء او عمل‏ کرده و راه مفید او را پیگیری نمایند.این بدان معنی است که بویژه محققین رشته‏های‏ زبانشناسی و تاریخ با یک رشته مسائل جدید مواجه خواهند شد.موضوع مورد تحسین‏ اینستکه گاوبه با مشخصات یک مورخ و باستانشناس توأما"توانسته است از عهدهء وظیفهء سنگین خود بخوبی برآید.در اینجا یک سؤال مطرح میشود و آن اینکه آیا وی توانسته‏ است به پژوهندگان و متخصصان رشتهء جغرافیای تاریخی راهی نشان دهد یا خیر؟بلی، اینگونه همکاریها در حقیقت براساس تحقیقات وی میتواند صورت گیرد.تجزیه و تحلیل‏ دقیق با در نظر گرفتن شایستگی گاوبه در قسمتهای گونه‏گون بسیار مفید،واقع خواهد شد. در برخی از موارد مؤلف با تمام توانائیهایش نتوانسته است آنطور که خود توقع داشته‏ است،با در نظر گرفتن تحقیقات اسناد و مدارک باستانی ایران بکار بردن اینگونه واژه‏ها در این رابطه چندان صحیح بنظر نمیرسد.در ارتباط با این موضوع و برای روشن شدن‏ قضیه متذکر شوم که در اینجا مسئله بهیچوجه مربوط به یک وقفنامه نیست-آنطوریکه از نوشتهء گاو به برمیآید-بلکه موضوع به سندی رسمی مربوط میشود-آنوریکه از نوشتهء گاوبه برمیآید-بلکه موضوع به سندی رسمی مربوط میشود-با امضاء صدر-که‏ بوسیلهء آن متعلقات امامزاده شاه میرعلی حسین از طرف دفتر شخصی بنام صدر،تأیید و تصویف میگردد.این سند بنوبهء خود فرمانی را از شاه سلطان حسین در بر دارد که در پشت همین سند صدر نوشته شده است.باین ترتیب می‏بینیم که بنا به روش متداول در بود که پشت سند هم بحساب میآمد و حتی الامکان نام و ناحیهء(اداری و حکومتی)صدر هم شناسائی میگردید.

در تبدیل اطلاحات و اسامی فارسی و عربی بهتر بود که وحدت و اتفاق در نظر گرفته میشد،احتملا"با اشاره‏ای به نامهای(نواحی و محل‏ها)در فهرست فرهنگ‏ جغرافیائی ایران.طرز کار گاوبه در این مورد بخصوص میتواند نتایج نامطلوبی بهار آورد (مثلا"،در صفحهء 190 کتاب:قلعه امامزاده،قبله،فارسنامهء ناصری.در اینجا وضع‏"هاء"ملفوظ چندان روشن نیست.)

مترجم:سعید فرهودی

(از مجلهء OLZ چاپ برلین شرقی)